



تأثیر سیاست‌های حاکمیتی بر پوشش ایرانی‌اسلامی، بررسی تطبیقی در دوران پهلوی و پس‌انقلاب:

فهیمة حیدری هرستانی^{*}، صفورا سادات امین جواهری^آ،

۱. کاندیدای دکترای فلسفه علم، دانشگاه علوم تحقیقات تهران

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان

Email: fahim.heidari@gmail.com^{*1}, aminjavaheri.s@gmail.com², ...

چکیده

امروزه، زنان ایرانی در عرصه پوشش با فقدان سبک‌های برآمده از فرهنگ ایرانی اسلامی مواجه هستند. پیامد چنین فقدان، ابتلا به سبک‌های پوششی نامتناسب با فرهنگ ایرانی‌اسلامی است. در ریشه‌یابی این مسئله، دو برهه تاریخی مهم و تأثیرگذار را می‌یابیم. اول در دوران پهلوی که با رواج پوشش غربی و قانون منع حجاب از پوشش ایرانیان هویت‌زدایی شد. دوم، پس از انقلاب اسلامی که با تأکید بر یک مصداق پوشش به‌عنوان حجاب کامل برای همه مکان‌ها و اقالیم، دوباره پوشش برآمده از فرهنگ ایرانی‌اسلامی به حاشیه رفت. در چنین وضعیتی، پوشش‌های تحت صنعت مد، مجال رواج افسارگسیخته و فزاینده یافتند. در این مقاله بررسی می‌کنیم که چطور هم سیاست‌های پهلوی اول، هم سیاست‌های حاکمیتی پس از انقلاب اسلامی عرصه را برای عرضه پوشش‌های هویت‌مند ایرانی به‌عنوان پوشش شرعی و اسلامی تنگ کردند و در به حاشیه‌راندن اصل حجاب در جامعه، نقش دو روی یک‌سکه را ایفا کردند. در پایان نتیجه می‌گیریم، راهکار زدودن آسیب پوشش‌های نامتناسب با فرهنگ و هویت ایرانی‌اسلامی، فراهم کردن عرصه‌ای برای بروز و ظهور پوشش‌های برآمده از هویت اصیل ایرانی‌اسلامی است. پیش‌بینی می‌شود این پوشش‌ها در آینده کارکرد هویت‌سازی برای تمدن اسلامی نیز داشته باشند.

واژگان کلیدی: پوشش، هویت، فرهنگ، حکومت پهلوی، انقلاب اسلامی.